




doi Date Trade and Export during the Pahlavi Era According to Iranian National Archival Documents

 Elham malekzadeh¹

Submit Date: 2025-08-04 Revise Date: 2025-10-03 Accept Date: 2025-10-03 Published Date: 2026-03-01 pp:198-218

Abstract:

Dates are the main agricultural product of the southern regions of Iran, which have long played a vital role in the livelihood of palm growers and the economy of the region. Simultaneously with the establishment of the Pahlavi government and the nationalization of the foreign trade of the Soviet Union in 1920, the trade of the northern regions of Iran with the Soviet Union was disrupted and caused great losses to the farmers and merchants of northern Iran. After the establishment and political stabilization of Reza Shah Pahlavi, foreign trade was taken into consideration and efforts were made to repair and compensate the damage caused. With this aim, paying special attention to dates as a strategic product of the southern regions of Iran. It was one of the first actions of the government to organize the existing situation according to the suggestions and recommendations of the local authorities of Khuzestan province. In this way, the government of Iran supported the palm growers in the south and facilitated the export of dates to compensate the losses incurred by the northern farmers. From the summer of 1928/1307, he applied facilities such as exempting foreign buyers of dates from paying taxes. During the Second World War, there was a shortage of food in Iran. As a result, the export of dates from the ports of the Persian Gulf and the Sea of Oman was banned. After the war, the government of Mohammad Reza Shah allowed the export of dates only from Khorramshahr and Bandar Shahpour, and it was possible to export from Bandar Abbas and Minab city only if there was a surplus of dates. The present article, with descriptive-analytical research method based on the unpublished documents of the National Archives of Iran, examines the above issue along with the policies of the Pahlavi government regarding the process of harvesting and the method of exporting dates. And it will evaluate the efforts of Iranian governments to develop and promote the export of dates and the political and economic challenges of the Pahlavi period.

Keywords: Date trade, Date export, Southern regions of Iran, Pahlavi period.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.



1. Associate professor. Department of social and economic history , Institute of history, research institute of humanities and cultural studies , tehran , iran



References:

- Anjomruz, A) .(1994). Khormastan-e Iran: Including the history of origin and statistics of dates and palm groves (Vol. 1)* [In Persian]. Tehran: Oruj Publishing Institute.
- Management Services and Information Department of the President's Office. (2001). Foreign exchange and foreign trade monopoly during the Reza Shah era [In Persian]. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Sarraf Joshaghani, H., Abdollahi Safiabadi, H., & Hojjat Farsangi, R. (2010). Date palm packaging technology. Journal of Packaging Science and Techniques, 1(2), 36–55. [In Persian].
- Taher-Ahmadi, M. (1995). Relations between Iran and the Soviet Union during the Reza Shah era [In Persian]. Tehran: Center for Documents and Diplomatic History.
- Tafreshi, M., & Taher-Ahmadi, M. (1992). Confidential reports of the Shahr bani (Police) (1945-1947) (Vol. 2) [In Persian]. Tehran: National Archives of Iran.

Archival Documents

- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0003-044483-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0004-044483-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0002-044483-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0005-044483-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0006-044483-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0007-044483-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0008-044483-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0002-0470380-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0009-047380-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0002-047859-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0003-047859-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0024-050112-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0023-050112-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0021-050112-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0019-050112-310.




- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0016-050112-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0018-050112-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 009-050112-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0012-050112-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0011-050112-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 008-050112-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 0014-050112-310.
- National Archives of Iran (NLAI), Document No. 004-050112-310.





doi تجارت و صادرات خرما در دوران پهلوی به روایت اسناد آرشیو ملی ایران

الهام ملک‌زاده^۱ 

از صفحه ۱۹۸ تا صفحه ۲۱۸ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۱۱

چکیده

خرما محصول اصلی و عمده کشاورزی در مناطق جنوبی ایران از خوزستان تا هرمزگان که از دیرباز نقشی حیاتی در گذران زندگی نخل کاران و اقتصاد منطقه داشته است. پس از استقرار و تثبیت سیاسی رضاشاه پهلوی، بازرگانی خارجی مورد توجه قرار گرفت و تلاش شد آسیب‌های وارده ترمیم و جبران شود. با این هدف، توجه ویژه به خرما به عنوان محصول استراتژیک استان‌های جنوبی ایران به طور عام، از نخستین اقدامات حکومت بود که با توجه به پیشنهادات و توصیه‌های مقامات محلی خوزستان به سامان‌دهی وضعیت موجود پرداخت. بدین ترتیب، دولت ایران در ازای زیان‌های وارده به کشاورزان شمالی، به حمایت از نخل کاران جنوب و تسهیل صدور خرما پرداخت و از تابستان ۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۸ م، خریداران خارجی خرما را از پرداخت مالیات معاف کرد.

در سال‌های جنگ جهانی دوم چون کمبود مواد غذایی در ایران محسوس بود، صادرات خرما از بنادر خلیج فارس و دریای عمان ممنوع شد. پس از جنگ، دولت محمدرضا شاه صدور خرما را فقط از خرمشهر و بندر شاهپور آزاد کرد و از بندرعباس و میناب، تنها در صورت وجود مازاد خرما، امکان صادرات وجود داشت.

در قالب مقاله حاضر، ذیل سندپژوهی تاریخی با روش توصیفی - تحلیلی بر پایه اسناد منتشر نشده آرشیو ملی ایران، موضوع صدور خرما مبتنی بر سیاست‌های حکومت پهلوی درباره روند برداشت و صدور خرما بررسی خواهد شد، ضمن این که کوشش دولت‌های ایران جهت توسعه و ترویج صادرات خرما با توجه به فراز و نشیب‌های سیاسی و چالش‌های اقتصادی دوره پهلوی ارزیابی می‌شود.

واژگان کلیدی: تجارت خرما، صادرات خرما، خوزستان، بوشهر، هرمزگان، مناطق جنوبی ایران، دوره پهلوی.

Cite this article: malekzadeh, Elham. (2026). Date Trade and Export during the Pahlavi Era According to Iranian National Archival Documents. Journal of Diplomatic Studies and Research (DPR) (In Persian: Motale'ate sanadPazhūhi va fehrest-negari). Vol-1, Issue-1, 198-218.

۱. دانشیار گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی. پژوهشکده تاریخ. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران. ایران.



مقدمه

درخت نخل یا خرما^۱، درختی کهن است که دارای منزلت و تقدس بوده و توسط اقوام و ملل مختلف کهن همچون: کلدانی‌ها، سومری‌ها، بحرینی‌ها، آشوری‌ها، هندوها، عرب‌ها و ایرانی‌ها، ستوده می‌شده است. مصرف غذایی داشته و از میوه‌اش به عنوان نقل و شیرینی مجالس عروسی و شادی استفاده می‌کرده‌اند. حتی آن را تنها میراث پس از خود می‌شمردند. این درخت در نواحی گرمسیر و نیمه حاره، همچون ایران می‌روید که قدمت آن را به دوران هخامنشی و پیش از آن نسبت داده‌اند. (انجمن‌روز، عباس ۱۳۷۳: ۱۰-۲۱) در خصوص اهمیت جایگاه درخت نخل بین اقوام باستانی، اطلاعات متنوعی وجود دارد که موضوع مقاله حاضر نیست. در خصوص پیشینه پژوهش با رویکرد نوشتار حاضر و مطالعه اسنادی بویژه در مقطع زمانی مورد مطالعه مطلبی یافت نشد اما در مورد صادرات و بازاریابی این محصول در دوره حاضر و سال‌های اخیر پژوهش‌هایی وجود دارد که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره شده است: سینائی و بینا (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی پتانسیل صادراتی محصول خرما» ضمن اشاره به توان بالقوه صدور این محصول، ضرورت توجه به شاخص‌های تجارت خرما را مطرح و بر رفع موانع موجود در صادرات این محصول اشاره کرده‌اند.

کریمی فرد و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مسائل بازاریابی و صادرات خرما در استان خوزستان» ضمن بررسی مسائل بازاریابی و صادرات خرما در استان خوزستان، پیشنهادهای در راستای انجام خدمات بازاریابی توسط باغدار، تشکیل تعاونی‌های بازاریابی و برگزاری کلاس‌های آموزشی به منظور بالا بردن کیفیت محصول تولیدی و افزایش میزان صادرات خرما مطرح کرده‌اند.

حسینی و فتحی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحولات ساختار بازار جهانی خرما و بازارهای هدف خرما در ایران» به بررسی ساختار صادرات خرما در ایران و ذکر این نکته که واردکنندگان خرما از ایران از ثبات نسبی برخوردار نبوده و بازار صادرات خرما در ایران کاسته شده پرداخته‌اند.

از این رو، مقاله حاضر با توجه به ماهیت سندپژوهانه آن، فارغ از مطالعات تاریخی با رویکردهای تئوریک، روایتی اسنادی از تجارت و صادرات خرما در ایران طی دوره پهلوی است. که نگارنده، با غور و تعمق در اسناد آرشیوی، تلاش می‌کند، به ترسیم بستر زمانی و روند فعالیت‌های مترتب بر تجارت این کالای استراتژیک در مناطق جنوبی ایران و مؤثر بر تجارت خارجی این کشور بپردازد. با این توضیحات باید خاطر نشان ساخت، دست‌کم از اواخر دوران قاجار به سبب در دسترس نبودن راه‌های مطمئن و امن در بسیاری از نقاط ایران، تولیدکنندگان و بازرگانان محصولات کشاورزی و دامی، نمی‌توانستند کالاهای خود را به‌موقع و با سرعت و صرف هزینه‌ای مناسب و ارزان از

1. Phoenix daety lifera



نقطه‌ای به نقطه دیگر جابه‌جا کنند. به‌خصوص آن که به‌دلیل وجود موانع طبیعی بین بخش‌هایی از این سرزمین وسیع، ارتباط آسان در میان ساکنان این بخش‌ها بسیار دشوار بود و یا چنین ارتباطی به‌ندرت به انجام می‌رسید. چنان‌که بین سیستان و بلوچستان با مرکز ایران، کویر پهناوری قرار دارد که در گذشته مانع ارتباط میان مردمان این دو بخش بزرگ از ایران می‌شد. هم‌چنین، اهالی حوزه خلیج فارس و دریای عمان با گیلانی‌ها و مازندرانی‌ها دادوستد نداشتند و کرمانی‌های ساکن در مشرق ایران از کرمانشاهی‌های ساکن در مغرب ایران بی‌خبر بودند. با وجود این، سیستانی‌ها و بلوچ‌ها به‌راحتی از نواحی مرزی هندوستان عبور می‌کردند و با اهالی آن سوی مرز دادوستد می‌نمودند و سپس به محل زندگانی خود بازمی‌گشتند. از این گذشته، همواره شماری از بلوچ‌ها برای کار و تجارت میان بلوچستان و جزایر و بنادر جنوبی خلیج فارس رفت‌وآمد داشتند. ایرانیان ساکن در غرب کشور، پیوسته با گذشتن از مرز به نواحی سرحدی عراق می‌رفتند و مازاد محصولات خود را فروخته، اجناس موردنیاز خود را تهیه کرده و با دست‌پر به خانه بازمی‌گشتند. در شمال کشور نیز اوضاع و احوال به همین صورت بود. البته به سبب حجم زیاد مبادلات تجاری، اقتصاد گیلان و مازندران به‌طور کامل وابسته به بازار روسیه بود و همواره محصولات کشاورزی و مواد خام از راه دریای خزر که حمل‌ونقل کالا در آن سریع و ارزان بود به روسیه صادر و در مقابل کالاهای صنعتی، نفت، قند و شکر و... وارد گیلان و مازندران می‌شد (طاهر احمدی ۲۰۰۵: ۷۵؛ اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۲۵، پرونده ۲، سال ۱۹۴۰).

در خوزستان و خلیج فارس نیز وضع بازرگانی به همین صورت بود و کشتی‌های حامل نفت و کالاهای دیگر از بصره و آبادان به بندرعباس در جنوب شرقی ایران رفته و از آن‌جا عازم هندوستان می‌شدند. زاهدانی‌ها نیز می‌توانستند از طریق بندرعباس به آسانی به هندوستان بروند. (تفرشی، طاهر احمدی، ۱۳۷۱: ۱۰-۱۱).

تشکیل جمعیت نهضت اقتصاد

در این میان اگر به علل سیاسی و اقتصادی، مشکلاتی برای صادرات محصولات فاسدشدنی در هنگام مناسب پیش می‌آمد، کشاورزان و بازرگانان در تنگناهای طاقت‌فرسایی قرار گرفته و اجناس صادراتی نیز فاسد و غیرقابل استفاده می‌شدند. در سال ۱۹۲۰ م، که تجارت خارجی در اتحاد جماهیر شوروی ملی شد، روابط بازرگانی میان ایران و شوروی از صورت معمول بیرون رفت و بر اثر قوانینی که درباره تجارت خارجی در شوروی وضع شد، آسیب‌های فراوانی به کشاورزان و بازرگانان ایرانی وارد گردید (طاهر احمدی ۲۰۰۵: ۷۷) که برای جلوگیری از ورشکستگی کامل تاجران خطه شمال ایران در ۱۹ دی ۱۳۰۵ / ۱۰ ژانویه ۱۹۲۶، شماری از بازرگانان گیلانی به پا خاستند و «جمعیت نهضت اقتصاد» را بنیان نهادند که بی‌درنگ در سراسر شمال ایران گسترش یافت و دامنه آن به تهران رسید (همان: ۸۴).



جمعیت نهضت اقتصاد، در نخستین بیانیه خود در ۲۴ دی ۱۳۰۵ / ۱۵ ژانویه ۱۹۲۷، برای بهبود روابط اقتصادی ایران با شوروی، پیشنهادهایی را به دولت ایران ارائه و اعلام کرد: بازرگانان گیلانی با یکدیگر پیمان بسته‌اند که تا انعقاد قرارداد تجاری شرافتمندانه با شوروی که منافع هر دو کشور را در بر بگیرد، هیچ معامله‌ای را با بنگاه‌های اقتصادی شوروی به انجام نرسانند» (همان: ۸۴-۸۸). پس از آن نیز هیئت اتحادیه تجار قزوین در نامه‌ای به علی قلی انصاری وزیر امور خارجه، اوضاع تجاری استان‌های شمالی ایران را تشریح کرد و در بخشی از آن به ممنوع شدن خشکبار ایران به شوروی اشاره کرد و گزارش داد: «در حال حاضر مقداری از خشکبار تجار در رشت و قزوین روی هم انباشته شده‌اند و اگر تا یک ماه دیگر به همین صورت باقی بمانند، در هوای گرم و رطوبت گیلان به کلی فاسد می‌شوند و در پی آن، تعدادی از تجارت خانه‌های بزرگ از میان می‌روند» (همان: ۹۱-۹۲).

اقدامات دولت ایران برای بهبود تجارت خارجی

با آغاز سال ۱۳۰۶ ش / ۱۹۲۷ م، که بحران اقتصادی با شدت بیشتری سراسر کشور را فرا گرفته بود، اعضای نهضت اقتصاد بر آن شدند، در اعتراض به اوضاع نابسامان اقتصادی در ۲۱ فروردین ۱۳۰۶ ش / ۱۱ آوریل ۱۹۲۷ م، گمرک شهرهای رشت، مشهد، قوچان، بندر جز، تبریز، آستارا و ساری را اشغال و از ورود و صدور نامتعارف کالاهای مختلف جلوگیری نمایند. (سند شماره: ۱۰۲۰۰۷-۱۳۶۸)

پس از آن، در تابستان همان سال، گمرک خرمشهر در اقدامی نسنجیده - فقط برای کسب درآمد و تأمین بخشی از هزینه‌های خود- از بازرگانان و کارکنان کشتی‌هایی که برای خرید خرما از خوزستان وارد بندر خرمشهر شده بودند، درخواست مبلغی به عنوان مالیات بر گذرنامه کرد. بازرگانان و کارکنان کشتی‌ها نیز که پرداخت این مالیات را به زیان خود می‌دیدند، از خرید خرما از خوزستان سر باز زدند و رهسپار بصره شدند. از سویی دیگر، شماری از عشایر خوزستان که تنها وسیله امرار معاش‌شان خرما بود، به سبب فروش نرفتن خرماهای خود، در اعتراض به اقدام گمرک خرمشهر در روستایی به نام «نصار» گرد هم آمده و خواسته‌های خود را به مقامات محلی اظهار کردند (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور، ۱۳۸۰: ۱۱۳).

حکومت بر آن شد تا برای حفظ منافع ملی و جلوگیری از آسیب و زیان به تولیدکنندگان داخلی، قوانین تازه‌ای وضع کند و روش‌های دیگری برای اداره امور اقتصادی و تجارت خارجی در پیش گیرد. از جمله قوانین تازه‌ای که بیشتر به سود کشاورزان و بازرگانان شمال کشور تصویب شد و بر صادرات کالا از جنوب و غرب کشور نیز اثر گذاشت، تصویب قانون انحصار تجارت خارجی بود. قانون انحصار تجارت خارجی که در ششم اسفند ۱۳۰۹ / ۲۵ فوریه ۱۹۳۰، به تصویب مجلس شورای ملی رسید و موجب نگرانی دولت شوروی شد، بدین شرح بود: «از تاریخ تصویب این قانون، تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق وارد و صادر کردن کلیه محصولات طبیعی، صنعتی و تعیین موقتی و یا دائمی میزان واردات و صادرات مزبوره به دولت واگذار می‌شود و دولت می‌تواند تا



تصویب متمم این قانون از ورود اجناس خارجی به خاک ایران جلوگیری نماید» (همان، سند شماره ۴۰ : ۱۵۴). اما در رابطه با صادرات خرما، هیئت دولت در پاسخ به خواسته‌های عشایر خوزستان، در ۳ مرداد ۱۳۰۷ ش / ۲۳ ژوئیه ۱۹۲۸، قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن، همه ناخدایان، بازرگانان و کارکنان کشتی‌های خارجی که برای خرید خرما از ایران در بندرهای خلیج فارس پهلو می‌گرفتند، از پرداخت مالیات^۱ ویزا معاف شدند، به شرط آنکه از هنگام ورود به بندر ایران در خلیج فارس و دریای عمان تا موقع بیرون رفتن از آنها، زیر نظر مأموران دولت باشند و به هنگام ترک بندرها، به طور کامل بازرسی شوند. نزدیک به یک سال پس از تصویب این قانون، اداره گمرکات وزارت اقتصاد، در نامه‌ای به شماره ۲۱۶۴۳، به اداره گذرنامه وزارت امور خارجه در ۲۹ تیر ۲۰/۱۳۰۸ ژوئیه ۱۹۲۹، با استناد به همین قانون نوشت: با توجه به گزارش گمرک محمّره [خرمشهر]، درباره تاجرانی که از کویت و عمان عازم ایران هستند، اداره گذرنامه موظف است برای تاجران، ناخدایان و کارکنان کشتی‌های خارجی، گذرنامه صادر کند. به خصوص که از ۱۵ مرداد تا ۱۵ آبان / ۶ اوت تا ۶ نوامبر، اتباع کویت و عمان نیز مانند افراد دیگری که در این ایام با کشتی رهسپار ایران هستند، فقط برای خرید خرما در بندر خلیج فارس و دریای عمان پهلو می‌گیرند.

در ادامه همین گزارش، رئیس گمرک خرمشهر با توجه به نظر حکومت این شهر، پیشنهاد کرده بود: «کسانی که از کویت و عمان عازم ایران هستند نیز مانند کارکنان کشتی‌های خارجی از پرداخت هرگونه مالیات معاف شوند». وزارت اقتصاد از پیشنهاد گمرک خرمشهر استقبال کرد و در نامه‌ای به وزارت خارجه به اهمیت این پیشنهاد اشاره کرد و نوشت: «این پیشنهاد، در رابطه با تجارت خرما اهمیت شایانی دارد و لازم است هرچه زودتر تصویب شود، زیرا هنگام خرید خرما نزدیک است و اگر دولت ایران، اتباع کویت و عمان را مانند دیگر خارجی‌هایی که برای خرید خرما به ایران می‌آیند، از پرداخت تاکس گذرنامه معاف نکند، همه آنان برای خرید خرما مورد نیاز خود به عراق می‌روند و در نتیجه تجارت خارجی خوزستان آسیب فراوانی می‌بیند» (سند شماره ۰۰۰۳-۴۴۴۸۳-۰۳۱۰، آرشیو ملی ایران).

پس از آن، اداره گذرنامه وزارت امور خارجه در نامه شماره ۹۶۵۹/۲۰۲۶، به مهدی‌قلی هدایت، نخست‌وزیر، در ۳۱ تیر ۲۲/۱۳۰۸ ژوئیه ۱۹۲۹، پس از نقل گزارش وزارت اقتصاد، درباره پیشنهاد گمرک خرمشهر نوشت: «هرچند پیشنهاد گمرک خرمشهر با قوانین مربوط به گذرنامه و ویزا مطابقت ندارد، ولی به سبب اهمیت فراوان تجارت خرما و تأثیر مثبت آن بر اقتصاد کشور، وزارت اقتصاد نیز تأکید کرده که این پیشنهاد به صورت قانون درآید و تصویب شود» (سند شماره ۰۰۰۴-۴۴۴۸۳-۰۳۱۰، آرشیو ملی ایران).

به این ترتیب، با توجه به پیشنهاد واقع‌بینانه گمرک خرمشهر و تأیید و تصویب آن از سوی وزارت اقتصاد و

1. Tax



امور خارجه، هیئت دولت نیز در شهریور ۱۳۰۸ / آگوست ۱۹۲۹، پیشنهاد گمرک خرمشهر را به این صورت تصویب کرد: «تاخدایان و کارکنان کشتی‌هایی که از کویت و عمان به بنادر ایران می‌آیند، در روزهای فصل خرما، از پرداخت هرگونه تاکس گذرنامه معاف هستند، به شرط آنکه توقف آنها در بنادر ایران فقط تا هنگامی باشد که ایام خرید و فروش خرما به پایان می‌رسد و پس از آن همگی باید بنادر ایران را ترک کنند» (سند شماره ۰۰۰۲-۳۱۰-۰۴۴۸۳، آرشیو ملی ایران؛ این تصویب‌نامه به صورت پیش‌نویس و بدون تاریخ، شماره و نوشتن تاریخ تشکیل جلسه هیئت دولت نگاه‌داری می‌شود و اصل آن به دست نیامد).

اینکه چرا وزرات اقتصاد و وزرات امور خارجه آن اندازه اختیار داشتند که پیشنهاد رئیس گمرک خرمشهر را درباره صدور خرما بپذیرند؛ در پایان نیز دولت نظر این دو وزرات‌خانه را تأیید و تصویب کند و مسئله پراهمیت صادرات خرما را از پایین به بالا حل و فصل نماید، گویا به این علت بوده که همه وزرات‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی، حتی ستاد ارتش موظف بودند، وظایف خود را با تکیه بر دانش و تجارب کارمندان و کارشناسان خود، به انجام رسانند. در این باره، اسناد متعددی نشان می‌دهند که رضاشاه به‌رغم استبداد و خودکامگی، آن مایه از درایت و تیزهوشی را داشت که دریابد برای حفظ منافع ملی و آنچه به سود ایران و ایرانی است، لازم است کارها را به افراد کاردان بسپارد. او حتی در سیاست خارجی به‌ویژه در رابطه با اتحاد جماهیر شوروی که ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران داشت، کار را به دولت و وزرات امور خارجه واگذار کرده بود. رضا شاه به‌خوبی می‌دانست، وزرات امور خارجه را کسانی اداره می‌کنند که با دانش و کاردانی خود، در حفظ منافع ملی ایران کوشش می‌کنند (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۳۱).

نکته دیگر در این باره این است که دولت ایران به‌رغم بخشیدن مالیات گذرنامه به خریداران خارجی خرما و اعطای تسهیلاتی دیگر به آنان، حضور این افراد را در بنادر کشور فقط در ایام خرید و فروش خرما مجاز می‌دانست و تأکید می‌کرد کارهای مربوط به خرید و فروش خرما می‌بایست زیر نظر مأموران دولت به انجام رسد. گویا این سخت‌گیری بیش‌تر برای آن بود که حاکمیت بیم آن داشت مبادا جاسوسان بیگانه از این فرصت استفاده و به داخل کشور نفوذ نمایند و اوضاع را به نفع خود برگردانند. در این میان نیز دلالت‌ها وارد صحنه شده و به سود خود دست به کار شوند. این موضوع در گزارشی که درباره قانون انحصار تجارت خارجی در ۱۷ اسفند ۱۳۰۹ / ۸ مارس ۱۹۳۱ به وزرات کشور فرستاده شده، آمده است: «شهربانی مخصوصاً مراوده اشخاص با مقامات خارجی را به‌طور کامل مراقبت، درباره رفتار و کارهای عده‌ای از دلالت‌ها مواظبت کامل و به‌طور کلی در حفظ سیاست دولت از هر حیث دقت می‌کند. (طاهر احمدی، همان: ۱۳۱).

موانع صدور خرمای ایران

افزون بر مالیات و عوارض گذرنامه، مشکلات دیگری در راه صادرات خرما نمایان شد که در گزارش کنسول‌گری ایران



در بصره به خوبی منعکس شده است. در ۲۸ مرداد ۱۹/۱۳۰۹ اوت ۱۹۳۳ محمد حسن بدیع، کنسول ایران در بصره در نامه‌ای به رئیس شعبه بانک ملی ایران در خرمشهر با اشاره به قانون ارز خارجی^۱، (معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات. معاونت حقوقی ریاست جمهوری: Qavanin.ir)، درخواست کرد اجرای این قانون درباره تجارت خرما متوقف شود. وی توضیح داده بود چون خرما مهم‌ترین جنس صادراتی خوزستان است، بر اثر اجرای قانون ارز خارجی تاجران برای خرید خرما و دادن بیعانه به نخل کاران، قدم پیش نمی‌گذارند و در نتیجه موجب ضرر به دولت و اهالی خوزستان می‌شوند. محمد حسن بدیع برای جلوگیری از این زیان، پیشنهاد کرد تجارت خرما مانند سال‌های پیش، آزاد و از قید قانون ارز خارجی مستثنی شود تا بازرگانان ایرانی و خارجی، بی‌دغدغه خاطر قدم پیش‌گذارند و به خرید و صادر کردن خرما مبادرت ورزند. کنسول ایران در بصره که به خوبی به موقعیت تجاری خرما در خوزستان و خرماهای بصره آشنا و سخنانش درباره خرما از روی دانش و آگاهی بود، به این نکته مهم اشاره کرد: خرما کالایی است که تولید آن منحصر به خوزستان نیست و به محض اینکه تاجران در خرید آن به مشکلاتی برخورد کنند، بی‌درنگ متوجه خرماهای بصره می‌شوند و خرماهای خوزستان بدون خریدار باقی می‌ماند.

کنسول ایران در بصره در ادامه نامه خود ضمن یادآوری دستور وزارت امور خارجه به رئیس شعبه بانک ملی در خرمشهر راجع به همکاری با کنسول‌گری ایران، از وی خواست تا مساعدت و همکاری دولت با تاجران خرما را به آگاهی همه تاجران برساند و به همه آنان گوشزد کند با اطمینان خاطر مشغول خرید خرما و صدور آن شوند (معاونت خدمات، ۱۳۸۰: ۱۱۰-۱۱۱).

محمد حسن بدیع یک هفته پس از فرستادن نامه خود به شعبه بانک ملی در خرمشهر، بار دیگر در ۳ شهریور/ ۲۵ آگوست، نامه مفصلی به وزارت امور خارجه فرستاد و در آن با بیان مشکلاتی که بر اثر اجرای قانون ارز خارجی برای صدور خرماهای خوزستان پیش آمده بود، چنین نوشت: «اجرای قانون ارز خارجی باعث رکود و توقف خرید و فروش خرماهای خوزستان شده است، و تاکنون که مدتی از موسم خرما می‌گذرد، هیچ اقدامی برای خرید خرماهای خوزستان از سوی تاجران به عمل نیامده است؛ و صاحبان خرما همه سر در گم و بلا تکلیف مانده و خرماهای خود را هنوز از درخت نچیده و خرمن نکرده‌اند. حتی شنیده شده حاضر شده‌اند خرماهای خود را به قیمت اندکی بفروشند. تاجران نیز به سبب مشکلات به وجود آمده بر اثر اجرای قانون ارز، در خرید خرما تردید دارند». او سپس یادآوری کرد: خوزستان در کنار دریا قرار دارد و خرماهای آن زودتر از خرماهای بصره می‌رسد و در نتیجه زودتر به فروش می‌رسد، ولی تولید خرما منحصر به خوزستان نیست و خرماهای بصره نیز نسبت به خرماهای خوزستان هم بهتر است و هم فراوان‌تر، از این گذشته فاصله بصره تا دریا فقط به اندازه اروندرود می‌باشد. بدین سبب، تاجران خرما که اغلب کوییتی و عراقی هستند، اگر در خرمشهر به موانعی برخورد کنند، بی‌درنگ به بصره می‌روند و در نتیجه خرماهای خوزستان زمین خواهد خورد. بنابراین همه این

۱. قانون اجازه نظارت و تفتیش در خرید و فروش اسعار خارجی در شانزدهم اسفند ۷/۱۳۰۸ / مارس ۱۹۳۰، در دو ماده به تصویب رسید. پس از آن در ۳۱ تیر ۱۳۰۹ / ۲۲ جولای ۱۹۳۰، متمم این قانون در نه ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید.



علت‌ها باعث می‌شوند، کشاورزان خوزستان که به سبب بحران اقتصادی به تنگنا و سختی افتاده‌اند، بیشتر پریشان و درمانده شوند و از پرداخت مالیات به دولت ناتوان و عاجز می‌گردند». در ادامه محمد حسن رفیع به ماجرای که در سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷، روی داد و بر اثر آن خرماي خوزستان به فروش نرفت و مالیات نخیل دریافت نشد، اشاره کرد و محتوای نامه‌ای را که برای شعبه بانک ملی خرمشهر فرستاده‌بود، بازگو نمود و بار دیگر پیشنهاد خود را درباره اینکه بهتر است تجارت خرما از قید قانون ارز خارجی آزاد شود را تکرار کرد و در پایان به آگاهی وزارت امور خارجه رساند از تجار شنیده است به‌رغم این تکاپوها، هنوز هیچ دستوری راجع به صدور خرما برای مأموران دولت در خوزستان فرستاده نشده است. او با تأکید بر اینکه وقت تنگ است و خود نیز برای حل و فصل موضوع صدور خرما به خرمشهر رفته و با مسئولان شهر و رئیس بانک ملی گفتگو نموده‌است، یادآوری کرد همگی این افراد اظهار کرده‌اند دولت هنوز تکلیف آنان را مشخص نکرده و همگی از به انجام نرسیدن این کار نگران هستند. بدیع در پایان نامه خود تأکید کرده بود برای حفظ منافع دولت و ملت، وزارت امور خارجه باید به این موضوع توجه کند و آزادی تجارت خرما را به‌صورت تلگرافی به بانک و اداره گمرک خرمشهر ابلاغ کند (همان: ۱۱۲).

محتوای این سند از این رو اهمیت دارد که نشان‌دهنده تلاش فراوان و بی‌دریغ کنسول ایران در بصره برای حفظ منافع ملی ایران و همکاری با حکومت خرمشهر و بانک ملی آن‌جا است. این ماجرا نشان می‌دهد، امور مهم و اساسی شهرها به‌دست مأموران محلی حل و فصل می‌شد و هیچ ماموری نابسامانی‌های موجود را کتمان نمی‌کرد. گویی همگان موظف بودند، بدون بیم و هراس مشکلات و آشفتگی‌ها را با دولت در میان گذارند و حتی در صورت لزوم آن را به آگاهی شاه برسانند. چنان که در حاشیه همین نامه محمد حسن بدیع آمده است: «یک نسخه برای جلب نظر و دقت وزارت دربار پهلوی تقدیم می‌شود» (همان: ۱۱۲).

با این همه و به‌رغم تسهیلاتی که دولت برای صادرات خرما قائل شده بود، تنگناهای دیگری در راه صادرات خرما قرار داشت که اداره کل تجارت در ۳ مهر ۱۳۰۶ ش/ ۲۶ سپتامبر ۱۹۳۱، در گزارشی با نمره ۵۴۵۳/۱۱۹۶، به هیئت دولت افزون بر اشاره به این دشواری‌ها، کیفیت و شرایط خاص صادرات خرماي خوزستان و سواحل خلیج فارس را بدین صورت برشمرد:

۱- بخش عمده‌ای از تجارت خرما به شیوه مبادله صورت می‌گیرد. به این صورت که در هنگام برداشت خرما، کشتی‌هایی که حامل پاره‌ای کالاها از قبیل چوب و تخته و لیموی عمانی هستند، از سواحل آفریقا و عمان و... به بنادر خوزستان و خلیج فارس می‌آیند و اجناس خود را ظرف چند روز با خرما مبادله و پس از آن سواحل ایران را ترک می‌کنند. از سوی دیگر نخل‌داران و صاحبان خرما، متاع خود را با کشتی‌های کوچک که غالباً متعلق به خود آنهاست به سواحل آفریقا و بعضی نقاط دیگر می‌برند و هر جا که بیشتر مقرون به صرفه باشد با اجناس مورد نیاز خود مانند چوب و تخته و لیمو معاوضه می‌کنند، و گاهی نیز قیمت آن را با روپیه (واحد پول هند) دریافت می‌کنند.



۲- به‌طور کلی صادرکنندگان خرما نمی‌دانند، متاع خود را در کجا و با چه جنسی مبادله کنند و یا به چه قیمتی بفروشند. با وجود این بر فرض این که به‌هنگام صدور خرما بتوانند قیمتی برای خرما تعیین کنند، قادر به معرفی ضامن و یا سپردن ودیعه‌ای که گمرک برای اطمینان از انجام تعهد فروش اسعار مطالبه می‌کند، نیستند. در این میان افرادی که از خارج برای گرفتن خرما و دادن چوب و ... به سواحل ایران می‌آیند، نمی‌توانند مدتی معطل به‌مانند تا تشریفات اداری صدور جواز انجام پذیرد.

۳- در صورتی که برای صدور خرما از ایران مشکلاتی فراهم شود، خریداران خرما به بصره و دیگر نقاط عراق می‌روند که خرمای فراوانی دارند و در نتیجه خرمای ایران به فروش نمی‌رود و به‌زودی فاسد می‌شود و خسارت زیادی به نخل‌کاران ایرانی و تجارت کشور وارد می‌شود. اما برای رفع مشکلات صدور خرما و جلوگیری از خسارت به صاحبان خرما، اداره کل تجارت به هیئت‌دولت پیشنهاد کرد که در حدود قانون انحصار تجارت خارجی این موارد را تصویب کند:

«۱. پذیرش درخواست صدور خرما موکول به موعده معینی نبوده و در هر زمان پذیرفته شود.

۲. جواز مربوط به درخواست صدور خرما به‌محض وصول درخواست می‌بایست خارج از نوبت صادر شود.

۳. برای تسریع در اخذ درخواست و صدور جواز، اداره کل تجارت می‌تواند در بندر خرمشهر کمیسیون مرکب از نماینده خود و نماینده گمرک و نماینده بانک ملی تشکیل دهد و تشریفات اداری را در محل به انجام رساند» (سند شماره ۰۰۰۵-۴۴۴۸۳-۳۱۰-۰۴۴۴۸۳، آرشیو ملی ایران).

اقدامات حکومتی و تسهیلات صدور خرما

اهتمام ویژه دولت به صادرات باعث شد، پیشنهاد اداره تجارت درباره فراهم کردن تسهیلاتی برای صادرات خرما در همان سوم مهر که نامه شماره ۵۴۵۳/۱۱۹۶، اداره تجارت فرستاده شد، در هیئت‌دولت مطرح و با اصلاحات مختصری به تصویب رسد (سند شماره ۰۰۰۶-۴۴۴۸۳-۳۱۰-۰۴۴۴۸۳، آرشیو ملی ایران، نامه شماره ۵۵۵۲/۱۲۱۱ اداره امور تجارتی به نخست‌وزیر؛ سند شماره ۰۰۰۷ و ۰۰۰۸-۴۴۴۸۳-۳۱۰-۰۴۴۴۸۳، آرشیو ملی ایران).

به این ترتیب کمیسیون صدور جواز مربوط به درخواست صدور خرما در خرمشهر تشکیل شد و بنا بر نامه شماره ۶۶۰۷/۱۴۷۰، اداره کل تجارت به هیئت‌دولت در ۲۵ مهر / ۱۸ اکتبر، مأمور مخصوصی نیز از سوی اداره کل تجارت به خوزستان اعزام و به او دستور داده شد که پس از مطالعه و تحقیق کامل درباره صادرات خرما، هر نوع کمکی که برای جلوگیری از کاهش صادرات خرما ضرورت دارد به اداره کل تجارت پیشنهاد کند. در نتیجه معلوم شد، همان‌گونه که پیش از این حکومت خوزستان و اداره مالی و بازرگانان و اهالی محل پیشنهاد کرده بودند، اجازه ورود چوب فقط در مقابل صدور خرما داده شود و در عین حال با توجه به اینکه بخشی از صادرات خرما از طریق



مبادله با چوب به انجام می‌رسید، لازم بود در این باره نیز به صادرکنندگان خرما کمک شود.

به این ترتیب اداره کل تجارت پس از آگاهی از نتیجه تحقیق مأمور ویژه خود، به هیئت‌دولت پیشنهاد کرد، برای جلوگیری از آسیب به تجارت خرما، هر چه زودتر این ماده واحده تصویب و به اجرا گذاشته شود: «ماده واحده - به اداره کل تجارت اجازه داده می‌شود که از ۱ آبان ۱۳۱۰ ش/ ۲۴ اکتبر ۱۹۳۱، در مقابل جواز صدور خرما که از بنادر خوزستان صادر خواهد شد، هر خرما فروشی می‌تواند تا حدود ۴۰ درصد از قیمت خرما را صرف خرید تیر و تخته کند. (سند شماره ۰۰۰۲-۰۴۷۰۳۸۰-۳۱۰، آرشیو ملی ایران).

در پی گزارش و پیشنهاد اداره کل تجارت، هیئت‌دولت نیز به درخواست نخل‌کاران و بازرگانان که حکومت خوزستان و وزارت مالیه آن را تایید کرده بودند، پاسخ مثبت داد و این ماده واحده را تصویب کرد (سند شماره ۳۱۰-۳۱۰۳۸۰-۰۴۷۳۸۰-۰۰۰۹، آرشیو ملی ایران) که بر اساس آن، هم خرمای خوزستان به قیمت مناسبی صادر می‌شد و هم تخته کافی برای استفاده در ساختمان و کشتی وارد می‌شد.

بسته‌بندی خرما

به دلیل طبیعت محصولات کشاورزی که در برابر عوامل جوی و میکروارگانیزم‌ها فاسد می‌شوند نحوه بسته‌بندی آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. در بین تولیدات کشاورزی خرما یکی از اقلام مهم باغی ایران است که توجه به بسته‌بندی و فرآوری آن ناکافی بوده است (صراف جوشقانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۶). در مورد محصول خرما نیز نحوه بسته‌بندی آن و به طور کلی فناوری بسته‌بندی خرما از گذشته تا کنون یکی از مسائل مهم در صادرات این محصول است.

بسته‌بندی خرمای صادراتی که نیاز به چوب، مفتول آهنی، میخ، کاغذ و گونی داشت، مشکل دیگری بود که باید برطرف می‌شد. از این رو، اداره کل تجارت در دوم شهریور ۱۳۱۱/۲۴ آگوست ۱۹۳۲، در نامه‌ای به شماره ۱۱۸۳، به هیئت‌دولت با تأکید بر این که خرما از جمله صادرات مهم کشور است و برای ترقی، ترویج و تهیه و سایل لازم جهت بهبود و توسعه صادرات آن در بازارهای خارجی، می‌بایست اهتمام ویژه‌ای به کار برد، نوشت: «بنا بر گزارش‌هایی که از سوی مأموران وزارت اقتصاد در خوزستان به اداره کل تجارت رسیده است، برای صدور خرما، لازم است جعبه‌های چوبی مخصوصی را وارد کرد که ساخت آن فعلاً در ایران مقدور نیست و اگر تجار بخواهند و سایل ساخت آن را فراهم کنند، به وقت زیادی نیاز است که این مدت متناسب با اوضاع اقتصادی کشور نیست، از این رو اداره کل تجارت پیشنهاد می‌کند که دولت «اجازه دهد، جعبه‌های چوبی، طوق آهنی، میخ، کاغذ و گونی که جهت ساختن جعبه‌های خرما و عدل‌بندی به منظور حمل خرما لازم است با رعایت شرایط ترانزیتی برای مدتی که مستلزم صدور خرما می‌باشد به خوزستان و بنادر خلیج فارس وارد شود (سند شماره ۰۰۰۲-۰۴۷۸۵۹-۳۱۰، آرشیو ملی ایران).



پس از آن، هیئت دولت با بررسی پیشنهاد اداره کل تجارت در جلسه دوم شهریور ۱۳۱۱ / ۲۴ آگوست ۱۹۳۲، با توجه به لزوم تسهیل در کار صدور خرما در بخش نامه شماره ۳۶۷۲، که در هفتم شهریور/۲۹ آگوست، صادر شد، اجازه ورود جعبه‌های چوبی، طوق آهنی، میخ، کاغذ و گونی را برای ساختن جعبه‌های خرما صادراتی به خوزستان و بنادر خلیج فارس را صادر کرد (سند شماره ۰۰۰۳-۰۴۷۸۵۹-۳۱۰-آرشیو ملی ایران).

نقش شورای اقتصاد در تجارت خرما

از مجموع اسناد مربوط به صادرات خرما در دوره رضاشاه، به جز آن چه در این مقاله مورد استفاده قرار گرفت، سند دیگری در آرشیو ملی ایران نگاهداری نمی‌شود. از این رو معلوم نیست که پس از سقوط رضاشاه، کار صادرات خرما به چه ترتیبی بود و به کجا انجامید. با این حال با توجه به تلاش دولت ایران برای بهبود تجارت خارجی و تشکیل شورای اقتصاد، به نظر می‌رسد مشکلات صادرات خرما و به‌طور کلی موانع بهبود بازرگانی خارجی به تدریج رفع شدند و از این طریق بر رونق تجارت خرما نیز افزوده شد. اما تشکیل شورای اقتصاد بدین صورت بود که در بهمن ۱۳۱۳ / ژانویه ۱۹۳۵، هیئت دولت به منظور مطالعه و بررسی دقیق مسائل اقتصادی تصویب کرد: هیئتی دائمی به نام شورای اقتصادی که نمایندگان با صلاحیت وزارت اقتصاد، امور خارجه، اداره کل صناعت، اداره کل کشاورزی، بانک ملی ایران، بانک کشاورزی و اداره کل گمرک را در بر می‌گرفت، به‌طور مرتب و در فواصل معین در اداره کل تجارت تشکیل شود. نخستین جلسه شورای اقتصاد در ۷ بهمن ۱۳۱۳ / ۲۷ ژانویه ۱۹۳۵، به ریاست محمدعلی فروغی نخست‌وزیر تشکیل شد و خط مشی و وظایف این شورا معین گردید (طاهر احمدی، پیشین: ۱۲۷).

اما آن چه درباره تجارت خرما مهم بود، نکته‌ای است که شورای اقتصاد با تأکید بر آن اعلام کرد: دولت ایران چه پیش از تصویب قانون انحصار تجارت و چه پس از آن، طرفدار تجارت آزاد و درهای باز برای بازرگانی بوده است. البته در مواردی که مقتضیات تجارتي کشور ایجاب می‌کرد، مقررات ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شد و بر اساس آن مقررات به عقد قراردادهای تجاری مبادرت می‌شد. بنابراین درباره تجارت خرما نیاز به عقد قرارداد تجاری با هیچ کشوری نبود و هرکس آگاهی‌های لازم و توانایی این کار را داشت، می‌توانست به داد و ستد خرما بپردازد.

جنگ جهانی دوم و تأثیر آن بر تجارت خرما ایران

آرامش و رونق اقتصادی حاصل از تشکیل شورای اقتصاد که برای تجارت خارجی فراهم شده بود، دیری نپایید و با شروع جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به خاک ایران در ۳ شهریور ۱۳۲۰ / ۲۵ آگوست ۱۹۴۱، همه چیز به هم ریخت و ایران به صورت کشوری جنگ زده درآمد. با پایان یافتن رسمی جنگ جهانی دوم، اوضاع ایران به حال



عادی و طبیعی خود بازنگشت و بحران‌های فزاینده دیگری اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران را تحت تأثیر خود قرار داد که تجارت خرما نیز از آسیب‌های آنها برکنار نماند.

در ۱۹ آبان ۱۰/۱۳۲۵ نوامبر ۱۹۴۶، اداره کل بازرگانی وزارت بازرگانی به احمد قوام نخست‌وزیر در نامه شماره ۱۶۸۶۵/۱۰۷۶۷، خبر داد: بنا بر گزارش‌های استانداری کرمان و فرمانداری زاهدان، خرما به دست آمده در فصل خرما امسال که بخشی از خوراک مردم کرمان و زاهدان را تشکیل می‌دهد، بسیار کم است و در عین حال عده‌ای بر آن هستند که همین خرما را به خارج صادر کنند. از این رو، اگر از صدور آن جلوگیری نشود، موجب کمبود خوراک و تنگی زندگی می‌شود. اداره کل بازرگانی در پیوست نامه خود، طرح تصویب‌نامه‌ای را برای منع صدور خرما مناطق جنوبی کشور به استثنای خوزستان تهیه و درخواست کرد که هیئت دولت آن را تصویب کند. (سند شماره ۰۰۲۴-۰۵۰۱۱۲-۳۱۰، آرشیو ملی ایران)

در پاسخ به این درخواست، دفتر نخست‌وزیر در ۲ آذر/ ۲۳ نوامبر، در نامه‌ای با شماره ۳۰۵۳۲۰/۱۱۹۸، به وزارت بازرگانی نوشت: هیئت وزیران در جلسه ۲۹ آبان/ ۲۰ نوامبر، تصویب نمود صدور خرما فقط از خرمشهر، بندر شاهپور، اهواز و بنادر کوچک خوزستان آزاد است و از دیگر بنادر ممنوع می‌باشد (سند شماره ۰۰۲۳-۰۵۰۱۱۲-۳۱۰- آرشیو ملی ایران). با تصویب و اجرای این قانون، وزارت بازرگانی، بار دیگر در ۱۵ بهمن / ۴ فوریه ۱۹۴۷، در نامه‌ای به شماره ۲۲۲۲۹/۲۲۰۷۳، به احمد قوام نوشت: بنا بر گزارش اتاق بازرگانی بندرعباس، کرمان و زاهدان، در حدود سه هزار تُن خرماي مازاد بر مصرف اهالی کرمان و زاهدان باقی مانده که هزار تُن آن صادر شده و اگر اجازه صدور دو هزار تُن موجود داده نشود، به دارندگان خرما ضرر مالی می‌رسد (همان سند).

اختیار دادن به مقامات محلی استان‌های سراسر کشور و مسئول بودن آنان در اجرای قوانین کشور از یک سوء و تعامل پیوسته وزارت‌خانه‌ها و مقامات محلی با دولت از سویی دیگر، موجب شد بار دیگر وزارت بازرگانی طرح تصویب‌نامه‌ای را درباره صدور دو هزار تُن خرماي مازاد تهیه کند و با اطمینان از تصویب آن به پیوست نامه خود به نخست‌وزیر بفرستد (سند شماره ۰۰۲۱-۰۵۰۱۱۲-۳۱۰، آرشیو ملی ایران).

چون از روزگار رضاشاه به بعد به جز سال‌هایی که به دلیل جنگ جهانی دوم، کشور ایران به اشغال متفقین در آمده بود، حاکمیت با اقتدار تمام به کارگزاران خود در سراسر ایران اختیار فراوان می‌داد و آنان را در برابر دولت مسئول می‌دانست و خود نیز دخالت چندانی در امور داخلی استان‌ها نمی‌کرد. این بار نیز با اطمینان به گزارش‌های رسیده، هیئت دولت در جلسه ۲۳ بهمن ۱۲/۱۳۲۵ / فوریه ۱۹۴۷، تصویب کرد صدور مازاد خرماي نواحی بندرعباس و میناب به مقدار دو هزار تُن از کشور بلامانع و مجاز است (سند شماره ۰۰۱۹-۰۵۰۱۱۲-۳۱۰، آرشیو ملی ایران). با پایان یافتن سال ۱۹۴۷/۱۳۲۵، و آغاز فصل خرما، بنا بر گزارش دفتر نخست‌وزیر به وزارت اقتصاد ملی (سند شماره ۰۰۱۶-۰۵۰۱۱۲-۳۱۰، آرشیو ملی ایران) در ۱۱ شهریور ۳/۱۳۲۶ سپتامبر ۱۹۴۷، بیست و چهار نفر از



اهالی بوشهر و پیرامون آن، درباره مزاد خرمای تولید شده این تلگراف را برای نخست‌وزیر و مجلس شورای ملی فرستادند (سند شماره ۰۰۱۸ - ۰۵۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران).

در این تلگراف، افزون بر آگاهی درباره چگونگی فروش خرما به تاجران و این‌که به سبب نبودن سردخانه در آن زمان، خرماها به‌زودی فاسد می‌شدند و رنج و زحمت کشاورزان به هدر می‌رفت؛ به‌کارگیری واژه «رنجبر» برای کشاورزان خوزستان حائز اهمیت است. این واژه را حزب توده ایران با سر دادن شعار «رنجبران و زحمت‌کشان متحد شوید»، در ایران رواج داد که وجود آن در این تلگراف نشان‌دهنده حزب توده تا جنوب ایران که در دوران جنگ جهانی دوم زیر سلطه کامل انگلستان بود، نفوذ کرده و موجب حرکت‌هایی بر ضد دولت شده بود.

به هر حال، پس از این تلگراف، دکتر محمد سجادی، وزیر اقتصاد ملی در نامه شماره ۱۴۴۳۴، پس از اشاره به کمبود مواد خوراکی در سال ۱۳۲۵/۱۹۴۷، در کرمان و پاره‌ای دیگر از نقاط جنوب ایران و ممنوع شدن صدور خرما از بنادر جنوب (سند شماره ۰۰۱۶ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران)، به آگاهی احمد قوام نخست‌وزیر رساند که اداره گمرک مفاد آن تصویب‌نامه را به خرمای نوع «قَصَب»^۱ که محصول بوشهر است و خرمای نوع «خارک»^۲ که در بندرعباس تولید می‌شود، تعمیم داده و از صدور آن جلوگیری می‌کند. در حالی که این دو نوع خرما، مصرف داخلی ندارند و جلوگیری از صدور آن کار درستی نیست (سند شماره ۰۰۱۸ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران). وزیر اقتصاد برای رفع این مشکل، طرح تصویب‌نامه‌ای را که برای آزادی صدور خرمای نوع قَصَب و خارک در وزارت اقتصاد ملی تهیه شده بود، به پیوست نامه به نخست‌وزیر برای وی فرستاد (سند شماره ۰۰۹ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران).

در همان زمان، سید مهدی تراکمه به نمایندگی از پنج تاجر دیگر در تلگرافی با قید فوری از بوشهر به احمد قوام نوشت: «چند ماه است مبلغ هنگفتی از محصول قَصَب این منطقه را که اصلاً مصرف محلی ندارد، خریده و آماده حمل کرده‌ایم. ولی گمرک بوشهر از حمل آن خودداری می‌کند و می‌گوید اجازه صدور خرما باید از تهران صادر شود. اما تأخیر در صدور خرما، موجب فساد و از بین رفتن آن می‌شود و در نتیجه بر اثر ورود خرمای عراق به هندوستان، بازار خارجی خرما دچار وقفه می‌شود و خرمای ایران دیگر به فروش نمی‌رسد. بنابراین برای جلوگیری از این خسارت و آسیب به درآمد عمومی کشور، خواهشمندیم هر چه زودتر اجازه صادر کردن خرما صادر شود» (سند شماره ۰۰۱۲ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران).

در این تلگراف نیز افزون بر اشاره به خسارتی که در صادر نشدن خرمای بوشهر به کشاورزان و درآمد عمومی وارد می‌شد، رقابت شدید خرمای ایران با عراق نیز در بازارهای خارجی مطرح شده بود که به لحاظ تاریخ تجارت خرما

۱. از انواع خرمای ایران که به خرمای زاهدی هم مشهور است.

۲. خرما خارک، میوه نارس درخت نخل با مزه‌ای شیرین است.



اهمیت شایانی دارد.

در تلگراف دیگری که محمدعلی دوانی به نمایندگی از سوی چند نفر از خریداران خرما به نخست‌وزیر و وزارت کشور و وزارت اقتصاد ملی نوشت و تقاضای اجازه صدور خرمای قصب را کرد، به عده‌ای که از راه تولید و فروش خرما امرار معاش می‌کنند، اشاره کرد و اظهار داشت: «مقداری از خرماها فاسد شده و به‌ناچار آنها را به دریا ریخته‌ایم. معلوم می‌شود ما بوشهری‌ها حق حیات نداریم. مقدار پنجاه‌هزار تومان خسارت وارد می‌شود، در حالی که هزار نفر از این راه امرار معاش می‌کنند (سند شماره ۰۰۱۱ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران).

همراهی دولت با نخل‌کاران جنوب ایران

با توجه به درخواست‌های مکرر تجار خرما، هیئت وزیران پاسخ مساعد خود را اعلام کرد و در جلسه ۲۵ شهریور ۱۳۲۶ / ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۷، تصویب کرد مفاد تصویب‌نامه شماره ۳۶۸۳۲، مورخ دوم دی ۱۳۲۵ / ۲۳ دسامبر ۱۹۴۶، راجع به منع صدور خرمای قصب و خارک نبوده و صدور آنها از بنادر خلیج فارس آزاد است (سند شماره ۰۰۸ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران). مجلس شورای ملی نیز پیگیر این موضوع بود و پس از تصویب قانون آزاد شدن صادرات خرمای قصب و خارک، رضا حکمت رئیس مجلس، در ۱ مهر / ۲۴ سپتامبر، در نامه‌ای به نخست‌وزیر، درخواست کرد مجلس را از نتیجه اقدام دولت درباره صدور خرما آگاه سازد (سند شماره ۰۰۱۴ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران). اداره کل بازرگانی وزارت اقتصاد ملی نیز ۲۰ روز بعد، طی نامه‌ای به نخست‌وزیر، اعلام کرد رونوشت تصویب‌نامه صدور خرما به اداره کل گمرک ابلاغ گردیده و توسط تلگراف به گمرکات جنوب، دستور داده شد تا از صدور خرما جلوگیری نکنند (سند شماره ۰۰۴ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران). متأسفانه از سال ۱۳۲۵ ش / ۱۹۴۶، تا پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ / ۱۹۷۹ در ایران، در خصوص چگونگی صادرات خرما، اسناد قابل توجهی یافت نشد. اما با توجه به قرائنی چند، به نظر می‌رسد با پایان یافتن سال‌های پر تنش و بحرانی ۱۳۲۰ - ۱۳۳۲ / ۱۹۴۰ - ۱۹۵۳، که آرامش و ثبات سیاسی و رونق اقتصادی به کشور بازگشت، صادرات خرما نیز مانند دیگر کالاهای صادراتی غیرنفتی به صورت قانون‌مند و منظم درآمد و خرمای ایران جایگاه مهمی در خارج از کشور به دست آورد.

تأثیر انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران بر تولید و صدور خرما

با استقرار حکومت انقلاب اسلامی در ایران که اوضاع کشور در همه زمینه‌ها دچار تحول شد، تولید و صادرات خرما نیز دستخوش دگرگونی‌های ناخوشایندی گردید که گوشه‌ای از آن در نامه کشاورزان بندر دیر (در استان بوشهر) به بخش‌داری آن‌جا بازتاب یافت. در این نامه، کشاورزان به نابسامانی اوضاع اشاره کرده و به صراحت نوشته‌اند: «چون اداره مسئولی به‌طور جدی و قاطع بر بازرگانان و صادرات آنها نظارت ندارد، این گروه نیز آزادانه هرچه بخواهند و سودآور باشد، صادر می‌کنند و به‌خصوص خرما را که غذای اصلی مردم منطقه است، بدون ضابطه



به خارج از کشور می‌برند» (سند شماره ۰۰۳۲ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران). این کشاورزان تلویحاً به بحران برآمده از تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ / ۴ نوامبر ۱۹۷۹، اشاره کرده و می‌گویند: «بازرگانان با صدور بی‌اندازه خرما پیش از آن که آمریکا ما را محاصره اقتصادی کند، پیش‌دستی نموده مردم منطقه را به سوی نابودی سوق داده‌اند» (همان سند). آنان در پایان نامه خود از مقامات مسئول درخواست کرده‌بودند که بر صادرات خرما نظارت کنند و به هر صورت که ممکن است از صدور خرما جلوگیری نمایند.

از نامه نخل‌کاران بر می‌آید که پیش از انقلاب یا دست‌کم پیش از تسخیر سفارت آمریکا و گروگان‌گیری، صادرات خرما منظم بود و بر اساس ضابطه‌های معینی به انجام می‌رسید. اما آن‌چه در این نامه به آن اشاره نشده، چگونگی دستیابی تجار به خرما است. گویا در ایامی که نهادهای نظارتی برچیده شده‌بودند و یا کار خود را به‌درستی انجام نمی‌دادند، نخل‌کاران خود اقدام به فروش خرما می‌کردند و چون با کمبود آن در روزهای سخت روبه‌رو شدند، این نامه شکایت‌آمیز را نوشتند و منتظر پاسخ ماندند.

مفاد این نامه را سرپرست بخش‌داری دَیر در ۲۰ آذر ۱۳۵۸ / ۱۱ دسامبر ۱۹۷۹، در نامه‌ای برای استاندار بوشهر فرستاد و توضیح داد که بر ما معلوم شده از طریق بندرهای استان بوشهر هر روز کود حیوانی و خرما به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس برده می‌شوند و این موضوع باعث نارضایتی مردم شده‌است. بدین سبب بخشدار در خواست کرد پیش از آن که سروصدای مردم بلند شود، به این موضوع رسیدگی گردد. در پی ارسال این نامه، محمدابراهیم شاکری مدیرکل کشاورزی و سرپرست اداره کل تعاون و امور روستاهای استان بوشهر دستور پیگیری و اقدام فوری را صادر کرد (سند شماره ۰۰۱۶ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱، آرشیو ملی ایران).

باوجود این با آغاز جنگ میان ایران و عراق، همه‌چیز به‌هم ریخت و راه تجارت با عراق و کویت و دیگر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس بسته شد. مهم‌تر از بسته شدن راه‌ها و تعطیلی تجارت در خوزستان، نابودی نخلستان‌ها در سراسر خوزستان و دیدن نخل‌های بی‌سر در نخلستان‌های استان بود که پس از گذشت سال‌ها از پایان جنگ، هنوز این زخم بزرگ التیام نیافته است.

نتیجه‌گیری

از آغاز سلطنت رضاشاه، تجارت خارجی همواره مورد توجه خاص حاکمیت بود و برای حفظ منافع تولیدکنندگان، تاجران و صادرکنندگان محصولات کشاورزی، دامی و صنعتی، به اندازه‌ای که مقدور بود، انواع تسهیلات فراهم می‌شد. حتی پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در ۶ اسفند ۱۳۰۶ / ۲۶ فوریه ۱۹۲۶، دولت ایران برای حفظ منافع ملی درباره اجرای این قانون، انعطاف زیادی به خرج داد. چنان‌که، کسانی که به عنوان خرید خرمای ایران از عراق و عمان و سایر نقاط جنوبی خلیج فارس به خوزستان می‌آمدند، از تسهیلات ویژه‌ای برخوردار می‌شدند. در همین راستا برای دستیابی به بازارهای تازه و حفظ مشتری، مبادرت به بسته‌بندی استاندارد خرما شد تا بدین



وسيله کیفیت صادرات ارتقا یابد. ضمن این که در اقدام منعطف دیگری، از سوی دولت، صادرکنندگان خرما از پرداخت مالیات معاف شدند. دولت ایران تا آنجا پیش رفت که از پیشنهاد‌های مقام‌های محلی مناطق تولید خرما در جنوب ایران، استقبال کرد و قوانین بومی را جایگزین قوانین موضوعه کرد. این رو می توان مصوبات دولت را در جلوگیری از آسیب های تجارت خرما موثر دانست، البته این امر با افزایش مطالبه گری نخل کاران و تاجر خرما وانعکاس معضلات تجارت و فروش این محصول شرایط بهتری در تجارت خرما فراهم نمود.

این روند در دوران محمدرضا پهلوی با لغو قانون صدور خرماي کرمان و زاهدان و پذیرفتن اعتراض نخل کاران بوشهر و تاجران خرما تداوم یافت. این توجه خاص به صدور خرما به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین کالای صادراتی جنوب ایران، تا انقلاب سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹، کماکان وجود داشت. پس از انقلاب اسلامی در ایران، وضعیت صادرات خرما در سایه تغییرات پیش آمده، دستخوش نابسامانی‌هایی شد که از یک سو به دلیل مشکلات تجارت خارجی بود، از سویی دیگر با وقوع جنگ میان ایران و عراق، صادرات خرما به طور کامل به محاق رفت و در درگیری‌های مناطق جنگ‌زده که اتفاقاً نخلستان‌های وسیع جنوب غرب ایران را شامل می‌شد، طعمه آتش جنگ و بمباران شد و اغلب، نخلستان‌های سوخته‌ای برجای ماند که هنوز می‌توان بخشی از نخل‌های بی‌سر و سوخته را مشاهده کرد. نکته در خور توجه درباب پژوهش حاضر این است که بررسی تطبیقی پژوهش‌هایی که در مورد وضعیت فعلی تجارت و صادرات خرماصروت گرفته، با مطالعه اسنادی پیش رو، حاکی از مشابهت و تداوم برخی آسیب‌های صادرات و تجارت خرما از گذشته تاکنون است؛ از این رو می‌توان به اهمیت مطالعات اسنادی در ریشه‌یابی معضلات و استفاده از تجربیات و راهکارها برای رفع معضلات مذکور پی برد.

تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق‌الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.



منابع

- انجم‌روز، عباس، (۱۳۷۳)، خرماسان ایران شامل تاریخ پیدایش و آمار خرما و نخلستان‌ها (دفتر اول)، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- نفرشی، مجید و طاهر احمدی، محمود. (۱۳۷۱)، گزارش‌های محرمانه شهربانی (۱۳۲۴-۱۳۲۶ شمسی)، جلد دوم، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- طاهر احمدی، محمود. (۱۳۷۴)، روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- صراف جوشقانی، حسن؛ عبدالمهی صفی آبادی، هادی؛ حجت فرسنگی، رضا (۱۳۸۹)، «فناوری بسته بندی خرما»، فصلنامه علوم و فنون بسته بندی، دوره ۱، ش ۲: ۳۶-۵۵.
- معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور، (۱۳۸۰)، ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۲۵، پرونده ۲، سال ۱۹۴۰.

- سند شماره ۰۰۰۳-۰۴۴۴۸۳-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۰۴-۰۴۴۴۸۳-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۰۲-۰۴۴۴۸۳-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۰۵-۰۴۴۴۸۳-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۰۶-۰۴۴۴۸۳-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۰۷-۰۴۴۴۸۳-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۰۸-۰۴۴۴۸۳-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۰۲-۰۴۷۰۳۸۰-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۰۹-۰۴۷۳۸۰-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۰۲-۰۴۷۸۵۹-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۰۳-۰۴۷۸۵۹-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۲۴-۰۵۰۱۱۲-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۲۳-۰۵۰۱۱۲-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۲۱-۰۵۰۱۱۲-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۱۹-۰۵۰۱۱۲-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۱۶-۰۵۰۱۱۲-۳۱۰، آرشیو ملی ایران.



- سند شماره ۰۰۱۸ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۹ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۱۲ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۱۱ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۸ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۱۴ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۴ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران.
- سند شماره ۰۰۳۲ - ۰۵۰۱۱۲ - ۳۱۰، آرشیو ملی ایران.

